



DOI: 10.30497/PKN.2024.245285.3111

Received: 2023/10/14

Accepted: 2024/07/17

Epistemology of Party in Iran (Case studies: Parties Mutalfa, Kargozaran, Jomhori Eslami, Nehzat Azadi, Jammeh Rohanyyat Mobarez)

Sina Aminizadeh*

One of the elements claimed for the strength of a country's political system is the existence of political parties. It is acceptable for parties to act with a secular worldview because there is a kind of political worldview convergence between the party and party activists in these societies, in other words, the basis and thought of the existence of the party and its structures are well designed, which has party behavior at levels. implements culture. Are the epistemic resources of Iranian parties the same as the epistemic resources of modern (western) parties? If they are the same, what is the contribution of each knowledge? The answers to the above questions need to be analyzed at the epistemological level. To analyze the level of knowledge, party documents (selected) and semi-structured interviews with party activists have been used in the form of thematic analysis. Purposive sampling has been done from the parties registered in the Ministry of Interior. The results of the research show similarities in The use of epistemic sources (homologous) in parties and the political space of romanticism has every epistemic reference among the parties and the space of political romanticism. This phenomenon itself is caused by the centrality of intuitive knowledge at the high theoretical level of party formation and political activism. which causes the intensification of the atmosphere of political romanticism in its political and social proposal, which is the opposite of the existence of the fact that the atmosphere of romance is also based on intuitive epistemological references.

Keywords: Party, Knowledge, Intuition, Political romanticism, Party Mutalfa, Party Kargozaran, Party Jomhori Eslami, Nehzat Azadi, Jammeh Rohanyyat Mobarez.

* Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Kerman, I.R.Iran.
sinaaminizadeh@uk.ac.ir

معرفت‌شناسی تحزب در ایران (مطالعه موردی احزاب کارگزاران، مؤتلفه، جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز، نهضت آزادی)^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۰۳ روز نزد نویسنده بوده است.

سینا امینی‌زاده*

چکیده

یکی از ارکان مورد ادعا جهت توانمندی نظام سیاسی، وجود احزاب است. حال سؤال اساسی این است آیا بستر معرفتی مشخصی برای ایجاد احزاب در ایران وجود دارد؟ برای تحلیل سطوح معرفتی از اسناد بالادستی احزاب (منتخب) و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با فعالان حزبی در قالب تحلیل مضمون استفاده شده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند از احزاب ثبت شده در وزارت کشور صورت گرفته است. نتایج پژوهش گویای تشابه در استفاده از منابع معرفتی در احزاب دارد؛ اما سهم مرجع معرفتی در میان احزاب ایران با محوریت معرفت‌شهودی است که موجب شکل‌گیری فضایی می‌شود که بیشترین مختصات رمانتیسیم سیاسی را در عرصه سیاسی و اجتماعی را دارد.

واژگان کلیدی: احزاب، جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، حزب کارگزاران، حزب مؤتلفه، رمانتیسیم سیاسی، شهود، معرفت، نهضت آزادی.

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

بیان مسئله: یکی از موضوعات فضای سیاسی کشور بحث سیاست سکولار است که موجب طرح دیدگاه‌های مختلف در باب نسبت دین و سیاست و همچنین ظهور احزاب متعدد در جامعه ایران شده است. با این حال به نظر می‌رسد نتایج عملی این احزاب در عرصه عمل به کارآمدی نظام سیاسی کمک چشمگیری نکرده است. دلیل این امر آن است که هنوز بنیان معرفتی مشخصی جهت شکل‌دهی به فعالیت سیاسی حزبی تأسیس نشده است. از دیدگاه پژوهش حاضر قبل از رسیدن به پاسخ در سطح اجرایی، باید مسئله دیگری مورد توجه قرار گیرد و آن هم فهم و شناخت بنیان‌های الگوواره‌ای و معرفتی احزاب سیاسی است؛ یعنی اینکه احزاب سیاسی در ایران باید بر چه بنیان معرفتی و الگوواره‌ای استوار باشند.

اهمیت: احزاب سیاسی به‌مثابه یکی از پایه‌های اولیه برای ایجاد حکومت مسئول، مردمی و پاسخگو مطرح هستند. تحقق این اهداف زمانی ممکن است که شاهد شکل‌گیری سطح معرفتی و الگوواره مشخصی برای احزاب در کشور باشیم. با این توصیف پژوهش‌هایی از این قبیل دارای اهمیت نظری-راهبردی هستند؛ چرا که ضمن تبیین مرزهای نظری «احزاب بومی»، در خصوص نظام سیاسی کارآمد نیز ارائه طریق می‌نمایند.

ضرورت: ضعف و یا نبود شناخت لازم از مبنای معرفتی و الگوواره احزاب، مسیر را برای بروز انواع جریان‌های سیاسی معارض فراهم نموده و بدین‌وسیله شاهد ترویج نوعی رهاشدگی در حوزه فعالیت حزبی خواهیم بود که تکثر احزاب و درعین‌حال ناکارآمدی آنها را دامن می‌زند. براین‌اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی است؛ چرا که با ریل‌گذاری معرفتی در زمینه فعالیت حزبی، زمینه حکمرانی بومی احزاب را در کشور فراهم می‌سازد.

اهداف: کمک به ارتقای الگوی بومی حکمرانی نظام حزبی در ایران از طریق تحلیل بنیان معرفتی و الگوواره‌ای احزاب، هدف اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از: مشخص نمودن سهم منابع معرفتی در احزاب منتخب، استخراج مبانی الگوواره‌ای احزاب منتخب، و همچنین تبیین دلالت‌های منابع معرفتی و الگوواره‌ای احزاب برای فضای سیاسی ایران.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و بر نظام سؤال‌ها استوار است. پرسش اصلی عبارت است از اینکه: ساختار معرفتی - الگوواره‌ای حاکم بر فضای تحزب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: بستر معرفتی احزاب منتخب چیستند؟ بستر الگوواره‌ای احزاب منتخب کدامند؟ و با توجه به مشخص شدن بنیان‌های معرفتی - الگوواره‌ای و نوع رابطه آنها با یکدیگر، فضای سیاسی کشور در بردارنده چه ویژگی‌هایی است؟

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به حزب و رابطه آن با فضای سیاسی ایران در مجموعه پژوهش‌های صورت‌گرفته اکثر در فضای تاریخی و یا کاربردی صورت‌گرفته‌اند و در دو سطح قابل بررسی است:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

ایمان و همکاران (۱۳۹۹) به ارزیابی مبانی الگوواره مرامنامه احزاب ایران بعد از انقلاب (مطالعه موردی حزب جمهوری اسلامی، حزب کارگزاران) پرداخته‌اند. خدادی و ربیعی کهندانی (۱۴۰۳) به مقایسه استعاره‌های حوزه مقصد منازعه در گفتمان حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق پرداخته‌اند. با ملاحظه این دو مورد مشخص می‌شود که از حیث رویکرد و گستره موضوعی مقاله حاضر از مقاله‌های منتشر شده در این نشریه متمایز است.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

پژوهش‌های موجود در این موضوع را می‌توان در سه دسته قرارداد:

الف. رویکرد معرفتی: در این ارتباط می‌توان به مقاله صدرا و همکاران (۱۳۸۹) اشاره داشت که به تحلیل جایگاه رمانتیسیم در فرایند تحزب پرداخته و رمانتیسیم آلمان را با فرانسه مقایسه نموده‌اند. اخوان کاظمی (۱۳۸۸) به مقایسه دو دیدگاه دینی و نوین در موضوع احزاب پرداخته و رویکرد معرفتی دین محور را به بحث گذارده‌اند. ابطحی و حیدری (۱۳۹۲) نیز از منظر و رویکردی فقهی به این موضوع نگرسته‌اند.

ب. رویکرد تاریخی: از این منظر با طیف متنوعی از پژوهش‌ها روبرو هستیم که مهمترین آنها عبارتند از: جمیری و قرشی (۱۳۹۷) که به احزاب با رویکردی دولت‌ساخته پرداخته و تمرکز را بر روی دو حزب ملیون و مردم گذاشته است. اشرفی (۱۳۷۹) به‌طور موردی به حزب جمهوری اسلامی پرداخته و دلایل شکل‌گیری و عدم فعالیت آن را تبیین نموده است. مدیرشانه‌چی (۱۳۷۹) احزاب را در ادوار چهارگانه بررسی نموده است؛ و بالاخره خندق (۱۳۸۹) که به بررسی احزاب چپ در بازه زمانی تحزب اول پرداخته است.

پ. رویکرد کارکردی: در این ارتباط می‌توان به مقاله کاظمی (۱۳۸۶) اشاره داشت که حزب را در قالب فرهنگ سیاسی مورد واکاوی قرار داده و معتقد است فرهنگ سیاسی جهت‌دهنده شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری حزب است. کولایی و مزارعی (۱۳۹۵) به بررسی موردی حزب کارگزاران پرداخته و آن را در رابطه با فرایندهای توسعه دوران سازندگی، تحلیل نموده است. اسلامی (۱۳۹۳) از رویکرد کارکردگرایی به بررسی احزاب پرداخته و احزاب را بر اساس این رویکرد طبقه‌بندی نموده است. سردارنیا (۱۳۹۳) صدسال اخیر و روندهای تحزب را موردتوجه قرار داده و مواردی همچون تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادمند نبودن تحزب را از علل عدم شکل‌گیری احزاب می‌داند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود مقاله حاضر از حیث گستره موضوعی و رویکرد تحلیلی آن که بر رویکرد معرفت‌شناسانه استوار است، از پژوهش‌های پیشین متمایز ارزیابی می‌شود.

۲. مبانی مفهومی و نظری

با عنایت به اهمیت جایگاه مقولات مفهومی و نظری در پژوهش جهت ایجاد تصویری واحد و بین‌الذهانی، در ادامه مهمترین مبانی پژوهش تحدید شده‌اند:

الف. حزب: منظور از حزب، تشکلی سیاسی است که در بستر رقابت سیاسی به‌دنبال کسب قدرت و تصدی امر حکمرانی مطابق مرامنامه‌ای مشخص در جامعه است (دوورژه، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۱).

ب. الگوواره: پیش‌فرض‌های اساسی در یک نظام فکری که در آن عقاید در خدمت اندیشمند قراردارند تا بر اساس آنها جهان اجتماعی مورد واکاوی و بررسی قرار دهند را الگوواره می‌گویند. سه پارادایم اصلی در حد بحث حاضر عبارت‌اند از: اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی (نک. ایمان، ۱۳۹۲، صص. ۴۳-۵۰).

پ. معرفت / معرفت‌شناسی: ساختار معرفتی درون انسان بر سه منبع معرفتی بنا شده است: شهود، عقل و حس (ایمان ۱۳۹۲ ص. ۵۸۳). باید توجه داشت که تمرکز و اتکا بر هر منبع معرفتی، الگوواره شناختی متفاوتی را پدید می‌آورد که معرفت‌های فلسفی، شهودی و علمی مهمترین آنها به‌شمار می‌آیند:

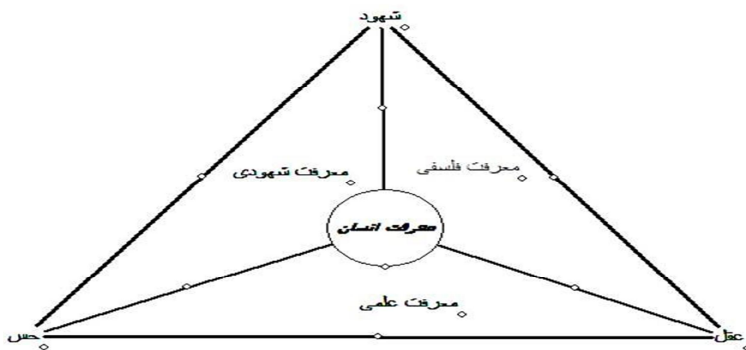
اول. شهود، ارجاع به منبعی معرفتی‌ای دارد که در درون انسان بوده و در ابتدایی‌ترین شکل خود به فطرت انسانی نزدیک می‌گردد. مفهوم معرفت حضوری ارجاع به همین منبع معرفتی دارد؛ منبعی که نوعی تجرید و انتزاع واقعیت و هستی است. شهود نه‌تنها درکی از درون و درباره وجود خود انسان است بلکه می‌تواند درباره هستی نیز انتزاعیات خاص خود را داشته باشد، تجرید و یا انتزاع هستی از راه دیگر هستی‌های مقیدی که به ادراک شهودی آمده‌اند نیز ممکن و میسر است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ص. ۲۶۱-۲۶۲)؛ بنابراین معرفت شهودی قسمت عمده‌ای از حیات وجودی انسان را تشکیل می‌دهد؛ البته شهود را نباید تماماً با شهودات معنوی یکسان گرفت بلکه شهود می‌تواند ناشی از مکاشفات غیرالهی هم باشد (حقیقت، ۱۳۸۷، ص. ۴۷).

دوم. عقل، یک منبع و ابزار شناخت مهم در حیات آدمی است و بسیاری از تحولات عظیم در طول تاریخ، بشر متأثر از قدرت استدلال و تفکر عقلانی بوده است. عقل هم منبع شناخت و هم ابزار استدلال است. همه اندیشمندان روی این منبع به‌نوعی

اتفاق نظر دارند اگرچه در تعریف نوع عقل با هم اختلاف نظر داشته و از مفاهیمی چون عقل مارکسیستی، عقل اگزیستانسیالیستی، عقل اثباتی، عقل اسلامی و مشابه آن سخن گفته‌اند که از حیث ماهیت و کارکرد با هم تفاوت‌هایی دارند.

سوم. حس، در این ابزار و منبع معرفتی نه تنها میان همه انسان‌ها با یکدیگر بلکه میان انسان‌ها با دیگر حیوانات نیز شباهت‌های زیادی وجود دارد. باین‌حال حواس انسانی در دوره‌های تمدن بشری نقش‌های متفاوتی داشته‌اند؛ برای مثال در قرون وسطا حواس انسانی چندان مورد توجه نبوده‌اند؛ درحالی‌که در دوران مدرن حواس انسانی نقشی تعیین‌کننده در تولید و توسعه معرفت در حوزه‌های مختلف بر عهده داشته‌اند.

شکل شماره (۱): الگوی تحلیل ساختار معرفتی



(منبع: ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۵۸۴)

۳. روش پژوهش

با توجه به اهمیت بحث روش در این قسمت نسبت به معرفی و تبیین نحوه کاربست آن پرداخته شده است:

الف. معرفی روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی (جهت‌دار) به حساب می‌آید و لذا بیشتر توجه بر اکتشاف تا نظریه‌آزمایی دارد (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). جهت‌دار بودن به معنای منابع معرفتی و

ارتباط آن با مفهوم حزب و فضای سیاسی است. براین اساس برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی (به‌ویژه اساسنامه و مرامنامه احزاب) و برای تحلیل آنها از روش تحلیل مضامین بهره برده شده است. در پژوهش حاضر، از الگوی نظری «مبانی سه‌گانه معرفت» به‌منزله راهنمایی برای مقوله‌سازی و کدگذاری، و از نرم‌افزار MAXQDA برای اجرای مراحل مختلف کدگذاری استفاده شده است. گام‌های کاربردی روش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره (۱): مراحل تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
تجزیه و توصیف متن	بررسی مرامنامه‌ها و انجام مصاحبه‌ها	مطالعه مرامنامه و شناسایی حوزه‌هایی که کاستی داده دارد و تکمیل آنها با مصاحبه
	کدگذاری بر اساس نظریه منتخب	تهیه قالب کلی مضامین بر اساس نظریه منتخب در سه حوزه معرفتی و طراحی نظام کدینگ بر اساس این نظریه
	شناسایی مضامین	استخراج مضامین و پالایش آنها
تشریح و تفسیر متن	سامان‌دهی مضامین	انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر
ترکیب و ادغام متن	تدوین گزارش	تلخیص؛ استخراج نمونه داده‌ها؛ مرتب‌کردن نتایج؛ نوشتن گزارش

(تنظیم توسط نویسنده)

ب. جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل ۲۴۰ حزب اعلام وجود کرده پس از انقلاب اسلامی هستند. از میان این احزاب، ۱۶ حزب با روش تاپسیس انتخاب شده است. در این مرحله ۶ شاخص پیشنهاد و توسط نخبگان سیاسی نهایی شده که عبارت‌اند از: داشتن چهره شاخص، تقویت بر مشارکت، کادرسازی، تربیت نیروی انسانی، نشر روزنامه و واسطه‌گری. در مرحله دوم، امتیاز احزاب ۱۶ گانه در ۶ محور بالا، مشخص و از میان آنها پنج حزب برای تحلیل انتخاب شده‌اند. نخبگان مورد نظر دارای این ویژگی‌ها بوده‌اند: درک سیاسی مناسب و عمیق از فضای سیاسی ایران، سابقه انجام فعالیت

سیاسی و همکاری در سطح سیاسی (علمی یا عملی) به‌خصوص احزاب، انجام‌دادن فعالیت‌های علمی (کتابخانه‌ای، میدانی) در باب احزاب، و داشتن ارتباط با فضای سیاسی کشور و آشنایی با قوانین و مقررات آن به‌خصوص درباره احزاب. در نتیجه تحلیل نخبگان امتیاز احزاب به شرح زیر به‌دست آمده است:

جدول شماره (۲): امتیاز احزاب منتخب بر اساس نظر نخبگان

رتبه	حزب	ضریب نزدیکی
۱	جمهوری اسلامی	/۶۵۵
۲	کارگزاران	/۶۱۰
۳	مؤتلفه اسلامی	/۵۸۱
۴	روحانیت مبارز	/۵۴۷
۵	نهضت آزادی	/۵۳۷
۶	تحکیم وحدت	/۵۱۹
۷	مجاهدین انقلاب	/۴۸۰
۸	اعتماد	/۴۷۵
۹	جامعه اسلامی	/۴۵۸
۱۰	مشارکت اسلامی	/۴۴۸
۱۱	جامعه اسلامی مهندسین	/۴۰۸
۱۲	اعتدال و توسعه	/۴۰۲
۱۳	انصار حزب‌الله	/۳۹۹
۱۴	انجمن اسلامی	/۳۸۱
۱۵	جامعه زنان	/۲۷۴

(یافته‌های پژوهش حاضر)

۴. یافته‌ها

از رهگذر تحلیل مرامنامه‌ها و نظرهای نخبگان، نویسنده به دو دسته از یافته‌ها رسیده است:

۴-۱. یافته‌های تحلیلی

در این قسمت نتایج تحلیل مضمون مرامنامه و مصاحبه‌های تخصصی متناسب با احزاب منتخب ارائه شده است:

الف. بنیان معرفتی حزب جمهوری اسلامی

بررسی آماری حکایت از آن دارد که رویکرد عمومی حزب جمهوری اسلامی از حیث معرفتی، انتقادی - تفسیری بوده است.

جدول شماره (۳): تحلیل مضمون مرامنامه و مصاحبه نخبگان در موضوع حزب جمهوری اسلامی

مرامنامه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۵	۹
انتقادی	۲۶	۴۸
تفسیری	۲۴	۴۳
مجموع	۵۵	۱۰۰
مصاحبه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۲۱	۱۴
انتقادی	۵۷	۳۶
تفسیری	۷۸	۵۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد که از دیدگاه نخبگان بعد تفسیری با میزان فراوانی ۷۸ مورد (۵۰ درصد) رویکرد شناختی غالب در حزب جمهوری را شکل می‌دهد. بعد از آن مفاهیم انتقادی با فراوانی ۵۷ مورد (۳۶ درصد) و مفاهیم اثباتی با فراوانی ۲۱ مورد (۱۳ درصد) قرار دارند؛ اما از رهگذر تحلیل مضامین مرامنامه این حزب، نتیجه چنین است: رهیافت انتقادی ۲۶ مورد (۴۸ درصد) در صدر قرار دارد، مفاهیم با الگوواره تفسیری با میزان فراوانی ۲۴ مورد (۴۳ درصد) در مرتبه دوم و الگوواره اثباتی با

فراوانی ۵ مورد در جایگاه آخر قرار گرفته است. به عبارت دیگر درحالی که مرامنامه از غلبه رویکرد انتقادی حکایت دارد؛ اما نخبگان قائل به غلبه رویکرد تفسیری بر حزب جمهوری اسلامی هستند. در مقام جمع‌بندی می‌توان چنین اظهار داشت که رویکرد غالب معرفتی‌شناسی حزب جمهوری اسلامی، تفسیری (با میانگین ۶۳ درصد حاصل آمده از دیدگاه نخبگان و مفاهیم مندرج در مرامنامه، در برابر متوسط ۵/۵۴ درصد انتقادی) بوده است.

ب. بنیان معرفتی حزب مؤتلفه اسلامی

بررسی آماری حکایت از آن دارد که رویکرد عمومی حزب مؤتلفه از حیث معرفتی، تفسیری - اثباتی بوده است.

جدول شماره (۴): تحلیل مضمون مرامنامه و مصاحبه نخبگان در موضوع حزب مؤتلفه اسلامی

مرامنامه		
فراوانی	درصد فراوانی	الگوواره
۷	۱۸	اثباتی
۳۲	۳۹	انتقادی
۵۴	۶۵	تفسیری
۸۳	۱۰۰	مجموع
مصاحبه		
فراوانی	درصد فراوانی	الگوواره
۸۰	۵۱	اثباتی
۳۶	۲۳	انتقادی
۴۰	۲۶	تفسیری
۱۵۶	۱۰۰	مجموع

بررسی مصاحبه فعالان حزبی مؤتلفه اسلامی نشان داد که الگوواره اثباتی دارای ۵۱ درصد از کل فراوانی مصاحبه را به خود اختصاص داده و بعد از آن الگوواره تفسیری با ۲۶ درصد در جایگاه دوم است. در نهایت الگوواره انتقادی با ۳۶ مورد در جایگاه

آخر قرارداد. اگر میانگین مصاحبه و تحلیل مضمون مرامنامه را محاسبه نماییم، رویکرد غالب معرفتی حاکم بر حزب مؤلفه، انتقادی (۵۲ درصد میانگین رویکرد انتقادی در برابر میانگین ۴۷ درصد برای تفسیری) بوده است.

پ. بنیان معرفتی روحانیت مبارز

مستند به تحلیل آماری می‌توان چنین اظهار داشت که رویکرد عمومی روحانیت مبارز از حیث معرفتی، تفسیری- اثباتی بوده است.

جدول شماره (۵): تحلیل مضمون مرامنامه و مصاحبه‌های نخبگانی در موضوع روحانیت مبارز

مرامنامه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۱۱	۲۱/
انتقادی	۱۰	۲۳/
تفسیری	۲۲	۵۱/
مجموع	۴۳	۱۰۰/
مصاحبه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۶۴	۴۶/
انتقادی	۴۴	۳۰/
تفسیری	۳۴	۲۳/
مجموع	۱۴۲	۱۰۰/

در مرامنامه روحانیت مبارز دیدگاه تفسیری با ۶۵ درصد دارای بیشترین مقدار است و بعد از آن الگوواره انتقادی با ۳۹ درصد در جای دوم قرار گرفته است. در آخر نیز الگوواره اثباتی با ۷ مورد قرار دارد. طبق بررسی صورت گرفته مصاحبه‌های روحانیت مبارز، الگوواره اثباتی با ۴۶ درصد بیشترین میزان فراوانی را دارد، و بعد از آن به ترتیب الگوواره انتقادی با فراوانی ۴۴ مورد و الگوواره تفسیری با فراوانی ۳۴ مورد قرار می‌گیرند. ضمناً الگوواره تفسیری در مرامنامه روحانیت مبارز با ۵۰ درصد دارای

بیشترین میزان فراوانی است و بعد از الگوواره انتقادی با ۲۳ درصد در رتبه دوم است. در نهایت الگوواره اثباتی است با ۲۱ درصد قرار دارد.

ت. بنیان معرفتی حزب کارگزاران

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که رویکرد عمومی حاکم از حیث معرفتی بر حزب کارگزاران نیز تفسیری - اثباتی بوده است.

جدول شماره (۶): تحلیل مضمون مرامنامه و مصاحبه‌های نخبگانی در حزب کارگزاران

مرامنامه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۱۰	۲۷٪
انتقادی	۹	۲۴٪
تفسیری	۱۸	۴۹٪
مجموع	۳۷	۱۰۰٪
مصاحبه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۱۱۶	۷۴٪
انتقادی	۲۱	۱۳٪
تفسیری	۱۸	۱۲٪
مجموع	۱۵۶	۱۰۰٪

رویکرد اثباتی در مصاحبه‌های حزب کارگزاران دارای ۱۱۶ مورد فراوانی (۷۴ درصد) است. رویکردهای انتقادی با ۲۱ مورد فراوانی و تفسیری با ۱۸ مورد فراوانی در جایگاه دوم و سوم هستند. تجزیه و تحلیل مرامنامه حزب کارگزاران نشان می‌دهد رویکرد تفسیری با ۴۹ درصد دارای بیشترین میزان فراوانی است و بعد از آن رویکردهای اثباتی با ۲۷ درصد و انتقادی با ۲۴ درصد قرار دارند. اگر میانگین امتیازات را ملاک ارزیابی قرار دهیم، رویکرد معرفتی غالب بر حزب کارگزاران اثباتی (با میانگین ۶۳ درصد) می‌باشد.

ث. بنیان معرفتی نهضت آزادی

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که رویکرد عمومی حاکم از حیث معرفتی بر نهضت آزادی، انتقادی - اثباتی بوده است.

جدول شماره (۷): تحلیل مضمون مرامنامه و مصاحبه‌های نخبگانی در موضوع نهضت آزادی

مرامنامه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۱۵	۳۱ /
انتقادی	۲۵	۵۲ /
تفسیری	۸	۱۷ /
مجموع	۴۸	۱۰۰ /
مصاحبه		
الگوواره	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۱۲۱	۷۶ /
تفسیری	۲۶	۱۲ /
انتقادی	۲۴	۱۱ /
مجموع	۱۵۶	۱۰۰ /

تجزیه و تحلیل مصاحبه و اسناد نهضت آزادی نشان می‌دهد رویکرد غالب از دید نخبگان، اثباتی (۱۲۱ مورد فراوانی برابر با ۷۶ درصد) است. بعد از آن مضامین تفسیری با ۲۶ مورد فراوانی و انتقادی با ۲۴ مورد فراوانی قرار دارند. تجزیه و تحلیل مرامنامه حزب نهضت آزادی نشان می‌دهد ۵۲ درصد مفاهیم بر مبنای الگوواره انتقادی هستند و بعد از آن الگوواره‌های اثباتی با ۳۱ درصد و تفسیری با ۱۷ درصد قرار دارد. با توجه به میانگین‌ها هم مشاهده می‌شود که رویکرد غالب اثباتی (با میانگین ۶۸ درصد) می‌باشد.

۴-۲. یافته‌های استنباطی

حال با تأمل در نتایج حاصل آمده در هر یک از محورهای بالا و مقایسه آنها می‌توان نتایج زیر را استنباط نمود:

الف. عدم سازگاری الگوواره‌ای و حاکمیت عملگرایی افراطی

تحلیل جداول بالا نشان می‌دهد برنامه‌های احزاب در یک حلقه نامنظم از مفاهیم منابع معرفتی قرارداد؛ به گونه‌ای که تحلیل مضمون مرامنامه‌ها با تلقی نخبگان از احزاب انطباق ندارد و شاهد نوعی خلط الگوواره‌ای در حوزه معرفتی هستیم. به همین خاطر است که در طراحی برنامه‌های حزبی در حوزه عمل، شاهد نوعی از کشمکش مداوم، هرج و مرج، بی‌سازمانی، ناپایداری، غیرقابل پیش‌بینی بودن سیاست‌ها و حتی حذف سیاسی هستیم. در این چنین وضعیتی است که احزاب برای مواجهه با پدیده‌های سیاسی از هر ابزار معرفتی‌ای - حتی اگر متعلق به الگوواره‌ای متفاوت از الگوواره مبنای آنها باشد - تمسک می‌جویند. این شیوه که تأکید بر مواجهه و حل مسئله به هر طریقی دارد، وزنه مفاهیم عملگراییانه را به شکل بارزی در سیاست‌گذاری احزاب سنگین می‌کند.

ب. توسعه آنومی سیاسی

طبق یافته‌ها، هر حزب چه در برنامه و چه مصاحبه، متشکل از مفاهیم معرفتی و پارادایمی مختلف است. گرچه سهم مبانی تفسیری و شهود بیشتر است؛ اما عدم وجود پایه معرفتی مشخص در قالب الگوواره خود، منجر به آن می‌شود تا تجارب و سلاقی شخصی بیشتر در حل مسائل مورد توجه قرار گیرد. با توجه به عدم راهبری معرفتی و الگوواره‌ای مشخص در احزاب، و از طرفی حاکمیت مراجع معرفتی و الگوواره‌ای متفاوت بر عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد - به گونه‌ای که در عرصه اقتصاد، الگوواره اثباتی؛ در فرهنگ و سیاست‌گذاری آن الگوواره تفسیری؛ و در عرصه سیاسی و برنامه توسعه آن تکیه بر رویکرد انتقادی است - (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۱) شاهد شکل‌گیری نوعی عدم همگرایی معرفتی بین این سه حوزه اصلی می‌باشیم که می‌توان از آن به آنومی سیاسی یاد نمود. نتایج حاصل از مصاحبه و بررسی مرامنامه‌ها نشان می‌دهد الگوها و سازوکارهایی که در عرصه کنترل سیاسی طراحی شده‌اند یا ضعیف می‌باشند، و یا موجب کژکارکردی می‌شوند. مواردی چون تسویه حساب سیاسی از مجراها و سازوکارهای کنترل یا ایجاد فرایندهایی که سازوکارها را دور بزنند از قبیل لابی و یا نفوذ، ایجاد می‌گردد. این دشواری

کنترل‌گری موجب می‌شود قدرت و حاکمیت به صورت شهودی درک کنند که باید تمرکزگرایی را برای حفظ نظم افزایش دهند که پیامد آن افزایش کشمکش در بین الگوها و سازوکارها با حکومت مرکزی و تحزب می‌گردد.

پ. فردی شدن فضای فعالیت حزبی

تحلیل مبانی معرفتی احزاب نشان می‌دهد مفاهیم مرامنامه‌ها و برنامه‌های احزاب کشور بر اساس تجارب و دیدگاه‌های افراد حاضر در آن حزب تنظیم می‌شود و سپس جهت حرکت حزب در نظام سیاسی ایران عملیاتی می‌شوند. افراد درگیر در حزب دارای نظر و دیدگاهی هستند که بر مبانی معرفتی خاصی استوارند و از طریق مرجعیت این افراد، مبانی مزبور وارد فضای هویتی احزاب و برنامه‌کاریشان می‌شود. به همین خاطر است که نقش افراد در تکوین هویت و عملکرد رسمی احزاب بسیار برجسته می‌باشد. پژوهش حاضر نشان داد که احزاب از برنامه هماهنگ با اصول الگوواره‌شان برخوردار نیستند و انسجام در آن کمتر وجود دارد. به عبارتی فضای احزاب عموماً مبهم و بیشتر مبتنی بر فضای شهودی و معنای ذهنی افراد حاضر در حزب است. این سیالیت در عرصه مبانی رفتار سیاسی را نیز خلاقانه و فردی می‌کند و تأکید بر معنا را غنی می‌کند.

ت. اقبال به رمانتیسیم سیاسی

رمانتیسیم نگرشی است مبتنی بر نقد رادیکال‌کارایی عقل که بر مقولاتی چون احساس و شهود (ولو در حد عاطفه، خلسه و جذب و نه لزوماً عرفان متعالی) تأکید دارد (برلین، ۱۳۸۷، ص ۳۲). از دیدگاه ایشان عقل قاصر از درک مفاهیم و امور است و سرشت امور از طریق شهود قابل درک می‌باشد. شهود نیز نیرویی متصور می‌شود که همانند گزینه هدایت‌گری و کشف می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۶۵)؛ البته فضای شکل‌دهنده برای پدیده رمانتیسیم نیازمند بستر است؛ به خصوص در عرصه سیاست که طبق نتایج پژوهش حاضر زمینه معرفتی مورد نیاز از ناحیه سه عامل حاصل می‌شود:

عامل اول. خودکم‌بینی؛ از حیث تاریخی تجربه ادواری که موجب شود ملت نسبت به جایگاه و اعتبار خویش مشکوک شده و به اصطلاح تحقیر را تجربه نماید، زمینه تکوین و بروز رمانتیسیم سیاسی فراهم می‌شود. برای مثال در آلمان احساس

حقارت بود که زمینه ظهور رمانتیسیم را فراهم نمود. در ایران به دلیل تجربه ادواری چون مداخلات قدرت‌های بزرگ (انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا) و یا پدیده‌هایی چون کاپیتالیسم، شاهد شیوع احساس تحقیر در جامعه هستیم. همین امر در تقویت رمانتیسیم سیاسی مؤثر بوده که بروز آن را در آشفتگی معرفتی احزاب مشاهده نمود (نک. صدرا و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۶۴).

عامل دوم. ظهور مارکسیسم؛ ظهور مارکسیسم در ایران به‌خصوص از دهه ۱۳۱۰ م‌م‌م شکل‌گیری فضای رمانس در سیاست معاصر بوده است. نئومارکسیست‌هایی از جمله لوکاچ وجود رمانتیسیم در عرصه سیاسی را فرایند طبیعی ناشی از دیالکتیک بین سرمایه‌داری با رمانتیسیم می‌دانند و تا زمانی که سرمایه‌داری باشد فضای رمانس نیز وجود خواهد داشت (سپهر، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۲). وجود عناصر انتقادی در فضای سیاسی ایران در دوره ابراز وجود احزاب چپ در ایران افزایش یافت که طی بررسی اسناد احزاب و مصاحبه مفاهیم انتقادی و تغییر طلب مثل انقلاب، تحول، ضدیت با استعمار به‌وفور وجود دارد.

عامل سوم. تلاقی فرهنگ‌های سنتی و نوین؛ بهترین فرصت ظهور و تقویت فضای رمانتیک سیاسی به هنگام برخورد دو نوع فرهنگ بومی و نوین است (اشمیت، ۱۳۹۸ ص ۱۱۴). در بررسی مرامنامه‌های حزبی شاهد کشمکش بین مفاهیم معرفتی مدرن و کهن نزد احزاب هستیم؛ چنان‌که در بررسی اسناد نیز وجود دو نوع عقیده مدرن و محافظه‌کار کاملاً قابل درک است. این پدیده به‌خصوص زمانی که مفاهیم مستخرج در بازه زمانی ده سال اول انقلاب را بررسی می‌کنیم، نمود بیشتری دارد. مواردی چون نهضت آزادی دولت موقت و جریانی مثل حزب جمهوری اسلامی یا وجود شخصیت‌های ناهم نهاد در کنار هم به لحاظ نماینده جبهه‌های مدرن و کهن هستند. در جدول زیر شاهد مفاهیمی هستیم نشان می‌دهد چگونه دو فضای معرفتی سنتی و نوین با هم مواجهه داشته‌اند.

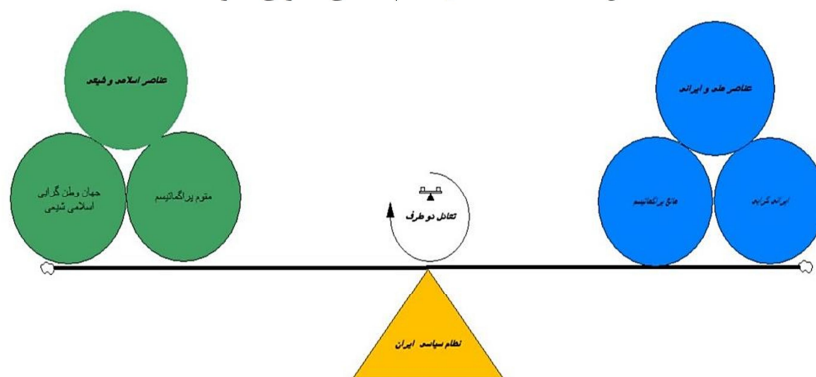
جدول شماره (۸): مفاهیم پرتکرار مستخرج از مرامنامه و مصاحبه

حزب	نوع سند	مفهوم پرتکرار	درصد مفهوم
جمهوری اسلامی	مرامنامه	خلاصیت	۵/۱۵
	مصاحبه‌ها	خودسازی انقلابی	۳/۶
مؤتلفه	مرامنامه	تقلید	۱۱/۷
	مصاحبه‌ها	شفافیت	۳/۳۷
روحانیت مبارز	مرامنامه	ولایت	۹/۸۰
	مصاحبه‌ها	توسعه	۹/۳۸
کارگزاران	مرامنامه	خلاصیت	۱۵/۰۰
	مصاحبه‌ها	اقتصاد	۸/۹۳
نهیض آزادی	مرامنامه	باور	۱۵/۱
	مصاحبه‌ها	قانون	۱۵/۲

ث. در جستجوی تعادل معرفتی

نتایج بررسی مصاحبه‌ها به ما گوشزد می‌کند ابعاد نوین و برگرفته از غرب بر جریان سیاسی احزاب اثرگذار است؛ زیرا بدنه چنین تحزبی ساخته و پرداخته منش سکولار است؛ چیزی که به‌خصوص در مرامنامه و مصاحبه با احزاب دارای خط‌مشی لیبرال قابل درک است؛ اما علاوه بر عناصر نوین به اصطلاح و ام‌دار غرب سکولار، ابعاد اسلامی - شیعی و ایرانی دارای اهمیت هستند. همین امر است که ایجاد تعادل را (به شرح آمده در شکل زیر) در حوزه تحزب در ایران، اهمیت و اولویت بخشیده است.

شکل شماره (۲): تعادل نظام سیاسی (حزبی) ایران



(طراحی توسط نویسنده)

عناصر غالب در نظام سیاسی ایران علاوه بر بعد غرب‌گرایانه سکولار از دو بعد عناصر ایرانی - ملی و اسلامی - شیعی شکل گرفته است. بهترین حالت برای نظام حزبی ایران تعادل برقرار بودن بین این دو بعد است. حکومتداری شیعی امری نسبتاً نو در تجربه تاریخی شیعه است؛ از این رو این کم‌رنگ بودن در تاریخ حکومتی خود مقوم سیاست‌های عمل‌گرایانه است و به نوعی دست سیاستمدار را باز نگه می‌دارد و در کنار آن نوع نگاه فراتر از فلات ایران حرکت می‌کند در کم‌عمق‌ترین حالت آن اشاره به مسلمین و شیعیان عالم می‌پردازد و در عمیق‌ترین حالت شعار مستضعفان عالم را مدنظر دارد. حال اگر این امور به صورت افسارگسیخته ادامه یابد، زمینه را برای ظهور فضای رمانس مهیا می‌کند. در مجموع بهترین حالت برای اقتدار نظام سیاسی برقراری تعادل بین عناصر ایرانی - ملی و اسلامی - شیعی است. احزاب نیز متناسب با این تعادل کمتر غرق در فضای رمانس خواهند شد.

ج. تأثیرپذیری احزاب از تجارب زیسته افراد

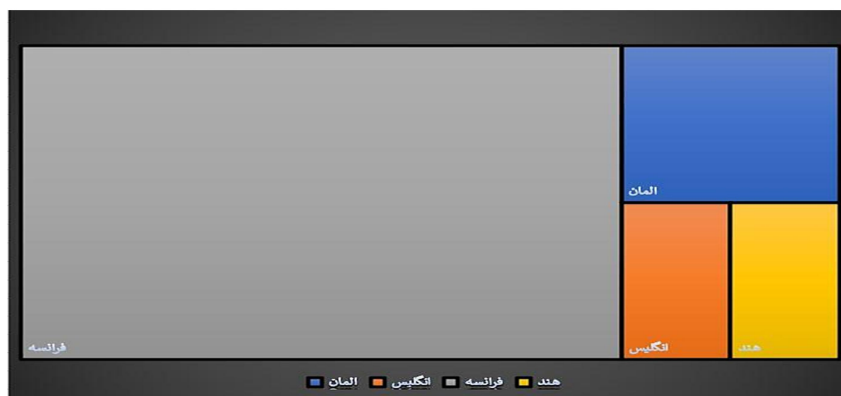
به نظر می‌رسد در کنار بررسی مرامنامه‌های حزبی، توجه به زمینه اجتماعی و تجارب زیسته افراد موثر در احزاب و فعالیت‌های حزبی، بسیار مهم باشد.

جدول شماره (۹): کشورهای محل سکونت یا مؤثر بر نمایندگان دوره اول مجلس

نماینده	کشور محل تحصیل یا سکونت	پست
یدالله سجابی	فرانسه	رئیس مجلس
مهدی بازرگان تبریزی	فرانسه	رئیس دولت موقت
حسن آیت	ایران / مسلط به ادبیات فرانسه	نماینده مجلس
حسن حبیبی	فرانسه	نماینده مجلس
انواری	سکونت در فرانسه	نماینده مجلس
توکلی	انگلیس	نماینده مجلس
چمران	آمریکا	نماینده مجلس
خاتمی	آلمان	نماینده مجلس
سیداحمد سلامتیان	فرانسه	نماینده مجلس
محمدعلی صدوقی	فرانسه	نماینده مجلس
محمد غرضی	فرانسه	نماینده مجلس
حسن غفوری فرد	آمریکا	نماینده مجلس
علی قائمی امیری	فرانسه	نماینده مجلس
علی گل‌زاده غفوری	فرانسه	نماینده مجلس
منوچهر متکی	هند	نماینده مجلس
شبستری	آلمان	نماینده مجلس
علی‌اکبر معین‌فر	فرانسه	نماینده مجلس
محمد منتظری	فرانسه	نماینده مجلس

چنان‌که در جدول بالا مشاهده می‌شود، کشور فرانسه به‌مثابه جغرافیای مؤثری مطرح است که در طرح نظام‌ها معرفتی احزاب در ایران از طریق افراد حزبی، نقش بلامنازع‌ی داشته است. در شکل زیر این گستره تأثیرگذاری به‌صورت شفاف‌ی نشان داده شده است:

شکل شماره (۳): کشورهای محل سکونت یا مؤثر بر نمایندگان دوره اول مجلس



به لحاظ زمانی در کشور ایران قوانین احزاب و فعالیت‌های مرتبط با حزب در سال‌های اول انقلاب و توسط مجلس اول بررسی و پرداخته شده است. از همان ابتدا حزب و حزب را در کنار مواردی مثل انجمن‌ها، جمعیت‌ها، راهپیمایی‌ها و اعتراض‌ها قرار داده‌اند. طبق فصل دوم ماده ششم تبصره دوم فعالیت احزاب در کنار فعالیت‌های تحول خواهان و انتقادی قرار گرفته است؛ البته جدای از وجود جریان چپ در مجلس نمی‌توان وجود افراد ذی‌نفوذ که به‌نوعی می‌شود گفت فضای رمانتیسیم سیاسی خصوصاً رمانس فرانسه را درک و زندگی کرده‌اند را مدنظر قرار نداد. فضای رمانتیسیم فرانسه در عرصه سیاست حق اعتراض را جزئی از فرایند سیاسی می‌داند؛ البته فضای رمانس فرانسه نیز انقلاب و اعتراض را امری رمانتیک قلمداد می‌کند که ناشی از عقلانیت نیست. طبق بررسی نمایندگان مجلس دور اول از صد درصد نمایندگانی که سابقه تحصیل یا سکونت در خارج از کشور دارند حدود ۷۰ درصد نمایندگان نیز در فرانسه بوده‌اند؛ البته بعد از فرانسه نیز کشور آلمان قرار دارد کشوری که خود حامل جریانی قدرتمند از رمانتیسیم است.

چ. حضور فعالان اجتماعی در عرصه حزب

حال شاید راحت‌تر بتوان به این سؤال جواب داد که فعالان اجتماعی در فعالیت حزبی ایران چه می‌کنند؟ واقعیت این است که عاملان سیاسی و قانون‌گذاری؛ فعالیت اجتماعی

را در کنار احزاب در قالب قانون اساسی قرار داده‌اند. آنچه در جریان حزبی ایران و حتی خارج از کشور وجود دارد، حضور فعالان اجتماعی در سیاست است؛ البته حضور فعالان در ایران گسترده‌تر و چالش‌برانگیزتر است. از این منظر شاهد فعالیت‌های اجتماعی ای هستیم که اصلاً سیاسی نیستند؛ اما سیاسی می‌شوند. سؤال این است: چرا سیاسی می‌شوند؟ فعالان مدنی در پی تعارضاتی که در بین فعالیت‌های خود و قوانین اجرایی می‌بینند و همچنین احساس عدم تأثیرگذاری فعالیت‌های اجتماعی خود تصمیم به کنش‌های سیاسی می‌گیرند. فعالان اجتماعی برای پیشبرد فعالیت‌های خود بدون توجه به محدودیت‌های قانونی وارد عرصه خدمات‌رسانی می‌شوند که مقاومت‌هایی قانونی شکل می‌گیرد. فعالان مدنی برای اثرگذار بودن وارد عرصه سیاست می‌شوند، این حضور و تلاش گسترده فعالان در ورود به سیاست برای ایجاد تغییراتی در قانون یا ایجاد نفوذ در نهادهای نظارتی در جهت تسهیل خدمات‌رسانی و فعالیت‌های اجتماعی هستند. رویکرد فعالان اجتماعی نیز به سیاست و نهاد سیاسی، همان نهادهای مدنی هستند که به نهاد سیاسی و حاکمیتی تبدیل شده‌اند. بهترین حالت متصور جدایی فعالان اجتماعی از سیاست است و عمل کردن هر کدام در چهارچوب‌انگاری خود است؛ زیرا سیاست به دنبال ایجاد ثبات و کنترل در نگاه اثباتی است؛ اما فعالان مدنی با ورود به عرصه سیاست ساختارشکنی و ایجاد تغییر را در جهت تسهیل اهداف خود بیشتر می‌کنند که نگاه دوم در فضای سیاست رمانتیک کشور بیشتر قابل لمس است. در این حالت تداخلی بین سیاست و فعالیت اجتماعی رخ می‌دهد. فعالان روحیه اعتراضی و نترس خود را به سیاست می‌برند که همین امر موجب تنش پویایی بیشتر در عرصه سیاست می‌گردد. در سیاست این حد از پویایی و افسارگسیختگی موجبات بی‌نظمی را فراهم می‌کند. در واقع روش‌های یک فعال اجتماعی مناسب عرصه سیاست نیست؛ بلکه سیالیت را بیشتر می‌کند؛ سیالیتی که وجود دارد و این‌گونه کنش‌ها نیز درجه و شدت آن را می‌افزاید جامعه در دو راستا یعنی هم در زمینه اجتماعی نیازمند فعالان است و در سیاست هم نیازمند سیاستمداران است. اگر این رابطه شفاف و مرز مشخص باشد این دو جریان می‌توانند به یکدیگر کمک کنند؛ اما زمانی چهارچوبی در بین جامعه نتواند حیات داشته باشد، این سلیقه افراد است در قالب فعال مدنی یا سیاسی وارد عرصه می‌شوند و خود را

معیار درست می‌گذارند که پویایی را قوت می‌بخشد. پویایی که حاصل مرجعی است که تمایل بیشتر به شهود و جریان رمانس دارد.

نتیجه‌گیری

برنامه‌های احزاب مجموعه‌ای هستند از مرام‌نامه‌ها، خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌هایی که اغلب در سطح کشورها و نظام‌های سیاسی بر یک دیدگاه مشخص و الگوواره معین استوار هستند. برنامه‌های احزاب به‌نوعی ماهیت نظام سیاسی و متناسب با آن اجتماعی را ترسیم می‌کنند. همچنین اهداف سیاسی و آرمان‌های آن نظام سیاسی بر اساس الگوواره‌ای حزب ساخته می‌شود میزان اعتبار آن‌هم در راستای همان الگوواره مطرح می‌شود مرام‌نامه‌ها و برنامه‌های احزاب کشور بر اساس افراد حاضر در آن حزب تنظیم می‌شود و بعد از تنظیم و طراحی جهت حرکت حزب در نظام سیاسی ایران عملیاتی می‌شوند. افراد درگیر در حزب دارای نظر و دیدگاهی هستند که عقیده و دیدگاه آن‌ها خالی از سطوح معرفتی نیست، همین وجود سطوح معرفتی جهت‌دهنده دیدگاه افراد است که می‌شود با بررسی آن هویت برنامه و مرام‌نامه حزب را تحلیل کرد. نتایج بیانگر این موضوع هستند که فضای سیاسی و احزاب در ویژگی رمانس هم‌ریشه هستند و مرجع معرفتی شهود در قیاس با فلسفه و تجربه جایگاه والاتری دارد. فضای رمانس در فضای سیاسی با توجه رویکرد عمل‌گرایانه شکل گرفته است که توان پاسخگویی به مسائلی دارد که فضای عقل‌گرایانه سیاست غرب توان پاسخ به آن را ندارد، به همین دلیل است که با میزان سکولاریسم نمی‌توان فضای سیاسی و حزبی را در محیط رمانس سنجید. رمانتیسیم سیاسی تاکنون به‌خوبی توانسته از فضای رمانتیک و شهودی کشور چه در امر سیاسی و چه در اجتماعی بهره ببرد؛ زیرا تطابق بیشتری بین جامعه رمانس و سیاست رمانس وجود دارد تا اینکه گرایش‌هایی به سمت فرایندهای سکولار باشد؛ البته در همین حین فرایندهای بازتولید فضای رمانس رو نباید نادیده گرفت، رویدادهایی مذهبی و ملی که مقوم فضای رمانتیسیم هستند. رمانتیسیم چه در سیاست چه فعالیت حزبی در همراهی با فرایندهای تاریخی و عقلانی حیات یافته است و به‌نوعی هر دو محور تاریخی عقلانی با پوشش حداکثری رمانتیسیم فضای سیاسی عمل‌گرایانه رمانس ایجاد نموده است که در عرصه سیاسی فعال است.

یادداشت‌ها

۱. نهضت آزادی از جمله احزابی است که مجوز قانونی برای فعالیت هم اکنون ندارد.

کتابنامه

- ابطحی، سیدمصطفی و حیدری، نصرت‌اله (۱۳۹۲). «تحزب در نظام سیاسی ولایت فقیه». علوم سیاسی، ۹ (۲۴).
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). «بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران». پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲ (۴).
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). «حزب و تحزب در اندیشه اسلامی». فقه و اصول (مطالعات اسلامی)، ۸۲ (۱). ۴۲-۱۱.
- اسلامی، محمدحسین (۱۳۹۳). «تبیین جامعه‌شناختی شکل‌گیری احزاب از دیدگاه کارکردگرایان». مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۴ (۱۳). ۲۰-۹.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۷). «بررسی فلسفه تشکیل و دلیل تعطیلی فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی». جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱ (۲).
- اشمیت، کارل (۱۳۹۸). رمانتیسیم سیاسی. ترجمه نیره توکلی، تهران: نشر پارسه.
- ایمان، محمدتقی؛ طبعی، منصور؛ امینی زاده، سینا (۱۳۹۹). «ارزیابی مبانی پارادایمی احزاب ایران بعد از انقلاب»، نشریه علمی دانش سیاسی، ۱۶ (۱)، ۴۵-۶۶.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲). ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قم: نشر حوزه و دانشگاه.
- برلین، آیدیا (۱۳۸۷). ریشه‌های رمانتیسیم. (عبدالله کوثری، مترجم)، تهران: نشر ماهی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های جدید در علوم سیاسی، تهران: نشر علوم نوین.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). معرفت‌شناسی در قرآن. قم: نشر اسراء.
- جمیری محمد و قرشی، سیدیوسف (۱۳۹۷). «تأملی جامعه‌شناسانه بر احزاب دولتی در عصر پهلوی دوم؛ مطالعه موردی احزاب مردم و ملیون». مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵ (۵۲). ۲۰۰-۱۸۱.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید.
- خدادی، حسن؛ ربیعی کهندانی، محمد (۱۴۰۳). «مقایسه استعاره‌های حوزه مقصد در گفتمان حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق»، دانش سیاسی، ۲۰ (۱)، ۱۰۷-۱۳۰.

- خندق، نجله (۱۳۸۹). «احزاب سیاسی ایران بین سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۱ با تأکید بر احزاب چپ». ژئوپلیتیک، ۶(۴). ۱۶۶-۱۵۴.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۸). *جامعه‌شناسی سیاسی*. (ابوالفضل قاضی، مترجم)، تهران: نشر جاودان.
- سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی نهاده‌نشدن و ناکامی تحزب در ایران در سده اخیر (از ۱۲۸۵ ش / ۱۳۲۸ ق و ۱۹۰۸ میلادی تاکنون)». *پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)*، ۵۰(۴). ۵۶-۴۳.
- سهریر، رابرت و لودی، میشل (۱۳۸۵). *رمانتیسیم و تفکر اجتماعی*. (یوسف اباذری، مترجم)، *مجله ارغنون*، شماره ۹.
- صدرا، علیرضا؛ فاضلی، حبیب‌اله؛ و علیزاده، علی (۱۳۸۹). «جنبش رمانتیسیم و سیاست رمانتیک». *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۲(۳). ۱۹-۱.
- کولایی، الهه و مزارعی یوسف (۱۳۹۵). «نوسازی و تحزب (مطالعه موردی: دولت هاشمی رفسنجانی)». *سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۶(۲). ۴۲۱-۴۰۳.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۹). «تحزب و توسعه سیاسی در ایران (مطالعه موردی ادوار اول و دوم تحزب)». *دانش و توسعه*، ۱۱(۱). ۲۵-۱۱.